

لحاح الحی الحاح علی الفرائح

بیت دیوار در کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه

باد و چمان تر کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه

آه صد فریاد از ستمکاران
و از حقا و آن کینه عدوان
روز سب گردید فاطمه نالان

کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه

غصبت محقق شد از گروه کینه
میخ در آسیب زد بر آن نمکین
هر زمان میگفت ای پدر جان بیتی

کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه

راز باحق دلت آنی خداوند ا
همم شد سقط از کف اعدا
عذرشان یارب چیه بود فردا
در رهت آخر کشته شد فاطمه

از جهان او رفت بارخ نیلی
حویه غدویش از حفا سیلی

گفت آیا بنعم با حفا حای
حیدر ای حیدر کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه

با علی گفتا ای ماه یکتا

با چه آشوبی رفتم اردیا
در غرای من زینت کردی
راز تخم بدور کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه

در جوانی شد بیت طری
از جهان گوید کشته ام میسر
طیبه الم حیدر مظهر دلکیر
گوید ای داور کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه

عاقبت او رفت در بره پایشی
با تخم آه از شک خویشی
زین عمر ابطین در تب تابیشی
میر شد بر سر کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه

چون زدند آتش بر درو خانه
خانه زهرا دار الاحرار
ای فراتی بی حور بیگانه
کرده بخون محرم کشته شد فاطمه
کشته شد فاطمه